

## رهبری و حفظ انقلاب در ایران و مصر؛ تحلیلی بر نقش محمد مرسی در شکست انقلاب مصر

اکبر اشرفی\*  
طیبه سلامت\*\*

### چکیده

امام خمینی (ره) در دهه ۱۳۵۰ مصادق روشنی از مفهوم بیداری اسلامی از ایده تا عمل را در ایران محقق ساخت و آن را به عنوان الگویی به جهانیان عرضه داشت. پس از سه دهه از این رویداد، در ژانویه سال ۲۰۱۱ خیزش عمومی مردم مصر به بار نشست و حکومت سی ساله حسنی مبارک سرنگون گشت. متعاقباً طی روندی دموکراتیک، محمد مرسی به عنوان رئیس جمهور برگزیده گردید؛ اما عدم کفایت وی در پایبندی به اهداف انقلاب و تمکین از مطالبات مردمی منجر شد زمامداری وی بیش از یک سال دوام نیاورد. دغدغه اصلی نگارندگان استفاده از روش تطبیقی در مطالعه نحوه مدیریت و تدبیر امام خمینی تئوریسین و رهبر بیداری اسلامی در تثبیت انقلاب و در مقابل تشریح نحوه عملکرد منفعلانه محمد مرسی رئیس جمهور مخلوع مصر در پاسداشت آرمان‌های انقلابی مردم، اقتناع اپوزوسیون، حفظ انسجام ملی در میان مردم مصر است.

**کلیدواژه‌ها:** بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، انقلاب مصر،

### ۱. مقدمه

عمده کارشناسان داخلی و تحلیل‌گران سیاسی معتقداند، اگر پس از آغاز موج بیداری اسلامی در مصر، فردی توانمند، رهبری این قیام را برعهده می‌گرفت، سرنوشت متفاوتی

\*استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - تهران مرکزی، تهران، ایران. akbarashrafi552@gmail.com

\*\*دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی. (نویسنده مسئول)

ts.policymaker@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۸، تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۱۲

در انتظار مردم این کشور بود. از زمانی که موج دوم خیزش مردم مصر علیه رئیس جمهور منتخب آغاز شد؛ این تفکر به وجود آمد که اگر انقلاب مصر هم مانند ایران از رهبری همچون امام خمینی (ره) بهره‌مند می‌بود، اوضاع این کشور یا به مرحله بحران نمی‌رسید و یا این مرحله را با حداقل هزینه پشت سر می‌گذاشت. اما فقدان رهبری مدبر و هدایت‌گر و سلیم النفس باعث شد مصری‌ها نه تنها نتوانند ثمره انقلاب خود را در زمان مقرر بچینند، بلکه با گذشت دو سال، بار دیگر برای باز پس‌گیری انقلاب ژانویه و پیگیری مطالبات خود به میادین اصلی شهر بازگشته و متحمل صدمات سنگینی شوند؛ که البته حکم نوشدارو پس از مرگ سهراب را داشت. از سوی دیگر با توجه به نقش حساس و تعیین‌کننده مصر در منطقه و خاورمیانه " بنا بر نقل قول مشهوری که می‌گوید: «اگر مصر مریض شود تمام جهان عرب مریض می‌شود» این جمله حکایت از نوعی پخش سلسله مراتبی است» (برزگر، ۱۳۹۱، ۵۳) به عبارت دیگر، هر گونه تحول سازنده و یا مخرب در این کشور مسلمان آفریقایی تاثیر مستقیمی بر روند تحولات سیاسی سایر ممالک خاورمیانه خواهد گذاشت. قسمت اول این مقاله بر اساس مطالعه رفتار سیاسی محمد مرسی رئیس جمهور سابق این کشور است. وی پس از کسب قدرت مرتکب اشتباهات جبران‌ناپذیری شد که طیف‌های گوناگون مردم را از خود منزجر ساخت. تمایلات سلفی \_ وهابی و تندروی‌های اعتقادی وی مردمی را که تا دیروز او را به عنوان یک اخوانی معتدل می‌شناختند؛ ترساند و همین‌طور مصالحه‌وی با رژیم مجعول اسرائیل نیز آرمان مردم مصر و اخوان المسلمین را که دفاع از سرزمین قدس بود، با چالش جدی روبه‌رو ساخت. اقدامات مستبدانه مرسی نه تنها موجب خدشه‌دار شدن چهره اخوان المسلمین در تمام ممالک اسلامی گشت بلکه این سوال اساسی را در فضای روشنفکری سیاسی به وجود آورد که آیا اسلام سلفی قادر به مدیریت انقلاب و نظام‌سازی و حفظ آن خواهد بود؟ جهت ادراک اشکالات و نواقص اعمال و رفتار محمد مرسی در دوره ریاست جمهوری به نمایندگی از حزب اخوان المسلمین به معرفی انقلاب ایران و گوشه‌ای از توان مدیریتی امام خمینی (ره) پرداخته می‌شود. از آنجایی که مطالعه تطبیقی رهبری ایشان با ریاست جمهوری محمد مرسی قیاسی مع الفارق خواهد بود و نگارندگان قصد فروکاست رهبری ایشان در سطح یک چهره آکادمیک و معلول فرایند دموکراسی همچون محمد مرسی را ندارند؛ اما از سویی جهت نمایاندن اشتباهات به وقوع پیوسته در انقلاب مصر و ارائه یک نمونه شاخص چاره‌ای جز استفاده از این روش به نظر نمی‌آید. از این رو خط تعلیق اصلی

این مقاله بر مطالعه تطبیقی حوادث ایران در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ و وضعیت مصر در تحولات انقلاب سال ۲۰۱۱ تا کودتای ۲۰۱۲ خواهد بود و رهبری سیاسی امام خمینی (ره) و رفتار محمد مرسی به عنوان خط تعلیق فرعی این متن در نظر گرفته خواهد شد.

## ۲. بحران خلا رهبری در مصر

پس از فراز و نشیب سیاسی چند سال اخیر در مصر و فرآیند جابه‌جایی قدرت در این کشور تحلیل‌گران غربی بر این باوراند که اگر مصر رهبری همانند امام خمینی (ره) داشت و یا حتی از اندیشه‌های امام راحل بهره می‌برد، امروز در شرایط سیاسی قابل قبولی به سر می‌برد.

دکتر کوین برت (Kevin barrit)، اسلام‌شناس و استاد دانشگاه سان‌فرانسیسکو در مقاله‌ای به تشریح دلایل ناکامی محمد مرسی و اخوان المسلمین پرداخته است و به آن‌ها توصیه نموده که به اندیشه‌های امام خمینی رجوع کنند تا این شکست را جبران نمایند. او گفته است: "مرسی و اخوان المسلمین باید به عقب بازگردند و درباره کارهای آیت الله خمینی (ره) پدر بیداری اسلامی که جهان را به لرزه درآورده مطالعه کنند. دکتر برت در ادامه تحلیل خود ضمن اشاره به مبارزه امام خمینی با فرقه‌گرایی گفت، "اخوان المسلمین باید از تحریک فرقه‌گرایی دست بکشند و برای وحدت اسلامی تلاش کنند" او به شجاعت و مقاومت امام خمینی (ره) در برابر استکبار نیز اشاره کرده و اخوان المسلمین را از تعظیم در برابر قدرت‌های استکباری برحذر داشت. وی همچنین اضافه نمود؛ آیت الله خمینی (ره) دریافت که تمامی مسلمانان برای حمایت از مستضعفین جهان در برابر ظالمان جهان یک وظیفه اخلاقی دارند. مقاومت در برابر امپریالیسم، آپارتاید و صهیونیسم نیز از وظایف مسلمانان است. اخوان المسلمین باید از تعظیم در برابر حاکمان ظالم غربی دست بکشند و به نبرد جهانی در برابر استعمار بپردازد. از دیگر مواردی که این تحلیل‌گر و اسلام‌شناس آمریکایی به آن اشاره کرده این است که امام خمینی پس از انقلاب وابستگان به دستگاه دیکتاتور دست‌نشانده غرب را از سمت‌های اجرایی برکنار کرد، اما اخوان المسلمین و به طور خاص محمد مرسی ترجیح دادند با همان نیروهای رژیم حسنی مبارک کار کنند، در حالی که آن‌ها باید تشخیص می‌دادند یک انقلاب اسلامی تمام‌عیار باید برای برکناری دست‌نشانده‌های غرب از قدرت و گسستن بندهای دولت‌ها و بانک‌های غربی سخت تلاش کند، پیروزی در انتخابات، در حالی که قدرت واقعی هنوز در دست ارتش دست

نشانه غرب است هیچ فایده‌ای ندارد. کوین برت در حوزه دیگری به مقایسه اخوان-المسلمین و مرسی با امام راحل پرداخته و بزرگ‌ترین اشتباه اخوانی‌ها را رد پیوستن به محور مقاومت و مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم دانسته است، در حالی که امام خمینی دشمن اصلی صهیونیسم و امپریالیسم بود و در این راه با کسی کوچکترین سازشی نداشت. اریک والبرگ (Eric walberg)، متخصص مسائل خاورمیانه و از مشاوران سازمان ملل متحد نیز به تازگی با انتشار مقاله‌ای با مقایسه اوضاع این روزهای مصر و دوران انقلاب اسلامی ایران به نقش برجسته امام خمینی (ره) اشاره کرده است. او می‌نویسد: قیام سال ۲۰۱۱ مصر، به سرعت توانست اکثریت مطلق مردم مصر را بسیج کند، اما مخالفان دولت مبارک خیلی زود به دو طیف سکولاریست و اسلام‌گرا تقسیم شدند، که در این میان پلیس و ارتش از سکولارها حمایت کردند، در مقابل، ارتش ایران این طور نبود، همچنین ایرانیان اندیشمندی برجسته به نام آیت الله خمینی داشتند که هیچ تمایلی نداشت تبدیل به دست نشاند نظام امپریالیستی غرب شود. و به همین دلیل است که این دو انقلاب (مصر و ایران) مسیرهایی کاملاً متفاوت را در پیش گرفتند. ([www.yjc.ir](http://www.yjc.ir))

البته تحلیل‌گران و سیاسیون بسیاری معتقدند، فقدان رهبری توانمند در مصر که همه بتوانند حول محور او حرکت کنند، باعث ناکامی انقلاب مصر شده است. فقدان رهبری روشن بین و مدبر منجر به انحراف اخوانی‌ها و انقلاب مردم مصر از شعارهایی بود که در مبارزه علیه رژیم حسنی مبارک سر می‌دادند.

### ۳. مطالعه تطبیقی تحولات انقلابی ایران و مصر بر اساس رفتار سیاسی نخبگان حاکم

محمد مرسی، نخستین رئیس جمهور مصر پس از مبارک، تنها یک سال در قدرت حضور داشت و در سال روز انقلاب مصر از قدرت برکنار شد. اخوان المسلمین نشان داد که پس از ۸۰ سال انتظار و زیستن در حاشیه سیاست هنوز نتوانسته صلاحیت زمامداری یک جمهوری را احراز نماید. در ادامه مطلب به منظور بیان تدبیر استراتژیکی امام خمینی (ره) در رویکرد سیاسی و نظامی و اجتماعی، برش‌های تاریخی مصر ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ در کنار انقلاب ۱۳۵۷ ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۴. ادبیات سیاسی رهبران و تأثیر آن در مثنوی معترضین

آقای راشد الغنوشی<sup>۱</sup> به مقایسه شعارهای برخی حرکت‌ها و نهضت‌های اسلامی می‌پردازد و بر این نکته تأکید می‌ورزد که: «شعار قرآنی حرکت "سلفی" این بود که: "به ریسمان خدا جنگ زنید و متفرق نشوید" شعار "اخوان المسلمین" در زمان سید قطب این بود: آنان که به خدا ایمان نیاورده‌اند، از گمراهانند." اما مهم‌ترین شعار ایرانیان در انقلاب اسلامی این است که: "بدرستی که وعده داده‌ایم مستضعفین را وارث زمین گردانیم."<sup>۲</sup> تجربه نشان داده شعار انقلاب اسلامی برای حرکت جهان اسلام بسیار کارسازتر بوده است. نمی‌توان در حاشیه قرار گرفت و اعلام داشت که: حساب ما از حساب گمراهان جداست که البته جداست، اما از این شعار جوشش و حرکت و جنبش بر نمی‌آید». این شعارها را وقتی در کنار اعلام مواضع صریح امام می‌گذاریم که در سی و هفت سال پیش فرمود: "من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مامورین شما حاضر کرده‌ام ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جبارهای شما حاضر نخواهم کرد" (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۴۰) یا این عبارت که فرمود: "خمینی را اگر بردار هم بزنند تفاهم نخواهد کرد" (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۶۵) تنها این جملات حاکی از آن است که انقلابی عظیم و دگرگون‌ساز در راه است.

#### ۵. خصلت‌های ضروری رهبران در تثبیت حاکمیت و تداوم نهضت

##### ۱-۵. بهره‌مندی از تاکتیک‌های مبارزاتی خردمندانانه

در تحقق و تثبیت یک انقلاب نیازمند یک نقشه راهبردی و دقیق در مواجهه با نظام حاکم "فاسد" هستیم که در سه مرحله پایه‌ریزی می‌شود (۱) تبیین وضع نامطلوب موجود و اقتناع افکار عمومی در خصوص آن که وضع موجود مطلوب نیست (۲) ترسیم وضع مطلوب به کمک امکانات موجود در میان مردم، به عبارتی تعیین چشم انداز پیش‌روی انقلابیون (۳) حرکت دادن افکار عمومی از وضع موجود به سمت وضع مطلوب. مراحل یاد شده در اندیشه و عمل کرد امام خمینی (ره) کاملاً مشهود است. دکتر حسین احمدی پژوهش‌گر سیاسی مراحل مبارزاتی امام را در کتاب خود تحت عنوان تاکتیک‌های مبارزاتی امام خمینی، تبیین نموده است. وی توانسته افکار مبارزاتی امام را از حصار مکتوبات فراتر برده و مدلی قابل قبول ارائه نماید. دکتر احمدی در کتاب خود مراحل مبارزه امام خمینی را در چند مرحله توصیف می‌نماید (۱) انتقاد از عملکرد سیاسی و اعمال ضد اسلامی

محمدرضا پهلوی در زمان مطرح شدن لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی (۲) تاکید بر وابستگی شاه ایران به عناصر باستان‌گرایانه و دلبستگی فکری وی به اجانب بعد از انقلاب سفید (۳) حمله مستقیم به شخص شاه و انتقاد شدید از وی بعد از حمله عمال پهلوی به مدارس علمیه در قم و تبریز (۴) طراحی و ترسیم یک مبارزه فرهنگی تمام عیار برای مقابله با انحرافات فکری و روابط نامشروع سیاسی رژیم پهلوی در دوران تبعید در ترکیه و عراق (۵) بهره‌گیری مناسب از شرایط زمانی و مکانی ایجاد شده در مدت اقامت در فرانسه برای افشای جنایات و خیانات خاندان پهلوی (۶) بازگشت به ایران و به کارگیری راهبردهای سیاسی و اقتصادی مناسب برای فلج کردن ارکان و ساختار اداری رژیم همراه با پرهیز از مشی مسلحانه. (احمدی، ۱۶، ۱۳۹۱) البته این اثر با وجود ویژگی‌های منحصر به فرد، در تبیین گام دوم یعنی ترسیم چشم‌انداز انقلاب از منظر امام خمینی (ره) چندان موفق به نظر نمی‌رسد. امام خمینی به همراه سایر تئوریسین‌های انقلاب همچون شهید مطهری و دکتر شریعتی به تبیین چشم‌انداز و مدل آرمانی انقلاب اسلامی پرداخته و زمینه را جهت ورود به مرحله سوم نهضت فراهم می‌نماید.

اما در بررسی شق دوم موضوع مورد تحقیق به هنگام آغاز اعتراضات در ۲۵ ژانویه، اخوان در این تظاهرات شرکت نکرد و رهبران اخوان تا ۲۸ ژانویه ورود به خیابان‌ها را به دلیل تهدیدات دستگاه‌های امنیتی، در دستور کار قرار ندادند. از ۲۸ ژانویه اخوان‌المسلمین در کنار سایر نیروها وارد اعتراضات خیابانی شد، امری که در نهایت به سقوط مبارک در ۱۱ فوریه انجامید (<http://www.defapress.com/Fa/News/1305>) تعلق و درنگ اخوان المسلمین در پیوستن به خیل عظیم مردم پیامد ناخوشایندی برای این جمعیت به دنبال داشت. اول آن که مردم، نخبگان سیاسی اخوان را در روزهای سخت در کنار خود ندیدند و دوم آن که گمانه‌زنی‌ها مبنی بر سازش و تساهل این جماعت با رژیم سابق تقویت گردید. نتیجه آن که نخبگان سیاسی این گروه نتوانستند نقش یک منجی یا رهبر انقلابی مستقل را به خوبی ایفا نمایند.

## ۵-۲. اتخاذ سیاست پیشگیرانه و توانایی غافل‌گیرسازی در جریان انقلاب

به باور صاحب نظران از جمله دلایل توفیق انقلاب اسلامی ایران آن بود که سیاست مداران و کارشناسان غربی نتوانستند وقوع آن را به موقع پیش‌بینی نمایند؛ بنابراین پیروزی آن نیز برایشان غافل‌گیر کننده بود. علی‌رغم نفوذ و فعالیت گسترده سازمان‌های جاسوسی

بزرگ جهان اعم از سازمان جاسوسی آمریکا (سیا)، موساد اسرائیل، ایستلیجنت سرویس انگلیس و ک.گ.ب. شوروی در ایران، هیچ یک نتوانستند انقلاب در حال شکل گیری را پیش بینی کنند. (محمدی، ۱۳۸۰، ۱۷ تا ۶) گزارش سیا در تابستان ۱۳۷۸ در آستانه انقلاب ایران اعلام می‌دارد که ایران نه تنها در وضعیت انقلابی قرار ندارد بلکه در وضعیت پیش از انقلاب هم قرار ندارد حتی سازمان اطلاعاتی وزارت دفاع (DIA) در ۱۹۷۸ پیش بینی کرد (Moens, 1991, 217) شاه تا ده سال آینده با قدرت به حکومت خود ادامه می‌دهد (Ienczowski, 1992, 64) سازمان‌های اطلاعاتی مذکور پیش بینی نمی‌کردند امام خمینی (ره) با دست خالی و بدون تشکیلات سیاسی و اجتماعی ویژه‌ای رهبری مردم را با مرکزی مستحکم و مشخص شکل دهد. (نکونام، ۱۳۸۶، ۱۴۰)

اما در انقلاب ۲۰۱۱ مصر اوضاع به گونه دیگری بود. طبق اندیشه سیاسی اهل سنت حرکت علیه حاکم ظالم و جائز نامشروع خواهد بود و رهبری که بخواهد انقلابی را هدایت کند مشروعیتی ندارد تا بتواند مردم را به سوی انقلاب هدایت کند. (هراتی، ۱۳۹۱) بنابراین خیزش مردمی به دشواری خواهد توانست تبدیل به جنبشی پایدار و مستحکم گردند و اگر جنبش اعتراضی در برهه‌ای از زمان نضج گیرد با یک پدافند اعتقادی - دینی علمای اهل تسنن خشتی خواهد شد. طبعاً ورود اخوان المسلمین به خیابان‌ها، قدرت و شدت تظاهرات مردمی را دو چندان ساخت و در واقع، توافق اخوان با سایر احزاب و نیروها مبنی بر لزوم کناره‌گیری مبارک، به تداوم تظاهرات ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ انجامید. اما تحولات مصر در این دوره بسیار فراتر از حامیان اخوان و اسلام‌گراها بود؛ زیرا اخوان خود از شدت و گستره تظاهرات در وهله نخست غافلگیر شد. در مورد وقایع اخیر مصر در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲ اولین سالروز حکومت محمد مرسی در حالی آغاز شد که مردمی که نارضی از مشکلات اقتصادی و مطالبات برآورده نشده در خیابان‌ها جنبش تهر را به راه انداخته بودند و عزل مرسی را خواستار بودند. ارتش نیز با صدور بیانیه‌ای قانون اساسی این کشور را به حالت تعلیق در آورد و عدلی منصور رئیس دادگاه قانون اساسی را جانشین محمد مرسی کرد ([www.isna.ir](http://www.isna.ir)) در مورد انقلاب مصر باید اظهار داشت نبود عقبه تئوریک مناسب مانع از اتخاذ سیاست پیش‌گیرانه توسط اخوان المسلمین شد. و عدم برآورد میدانی مناسب از تحولات جاری توسط رئیس جمهور منجر گردید که حضور مردم به سان فرصتی در انقلاب ۲۰۱۱ به تهدیدی در کودتای ۲۰۱۲ تبدیل شود.

### ۳-۵. بن‌مایه اعتقادی قابل اتکا و مشروعیت بخش

«بعد معنویت، سنگ زیرین و زیر بنای فکری مکتب امام خمینی ره است که باقی نظام های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر روی آن مستقر می‌شود یعنی عدالت، عقلانیت و سایر ابعاد اندیشه امام ره مبتنی بر همان بعد اصلی معنویت و توحید است» (<http://seirnews.com/fa/news>). از بعد نظریه ای و جنبه مشروعیت بخشی رفتارهای سیاسی اعمال و رفتارهای سیاسی امام خمینی در دوره اول از پشتوانه صرف شرعی و انجام تکلیف الهی برخوردار بوده است. که اندک اندک در دوره دوم با حمایت مردم از ایشان مقبولیت مردمی نیز بر آن اضافه شد ولی در دوره سوم و پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی رهبری سیاسی ایشان از بعد قانونی نیز برخوردار گشت. (اشرفی، ۱۳۸۷، ۷۷) اما در فضای انقلابی مصر شاهد وضعیت متفاوتی هستیم. در مورد اخوان المسلمین باید اظهار داشت که سید قطب به عنوان ایدئولوگ اصلی این جنبش معتقد بود که اسلام تمام پتانسیل های سیاسی - اجتماعی را برای اداره جامعه دارد. اما اخوان المسلمین " در عرصه ثوری " طی چند سال اخیر بیش از آن که در پی معرفی و پیاده سازی اسلام مد نظر سید قطب بوده باشند به دنبال هژمونی کردن فکر اخوانی با استفاده از سه روش (سنت و قانون و کاریزما) بوده اند. در عرصه میدانی نیز اخوان بیشتر با رویکرد دموکراتیک ظاهر شد به عبارت دیگر تغییر رویه اخوانی ها از اسلام انقلابی و انقلابی گری به سمت رویکردهای دموکراتیک حتی توانست نظریه بیداری اسلامی را به چالش کشاند و تبیین حرکت مصر بر موج دموکراسی خواهی را تایید کند (نورایی، ۱۳۹۱) معرفی محمد مرسی به عنوان فردی با سوابق آکادمیک " کارمند سازمان فضا نوردی آمریکا و مدرس دانشگاه کالیفرنیا آمریکا و الزقاریق قاهره " و با گرایشات اعتقادی محافظه کارانه، مویذ این نکته است که کسب مشروعیت از دیدگاه اخوانی ها صرفا جنبه دموکراتیک داشته و بن‌مایه اعتقادی در استحکام مشروعیت تاثیر قابل ملاحظه ای نداشته است.

### ۴-۵. نهادسازی به موقع و کارآمد در راستای تحقق اهداف انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران حکومت نوپای اسلامی با نخبگانی کم تجربه و با انبوهی از مسائل کلان داخلی و خارجی مواجه گردیدند که حل بسیاری از آنها با استفاده از ظرفیت سازمانها و وزارت خانه‌های موجود امکان پذیر نبود؛ بنابراین انقلاب برای صیانت و پاسداری از نهضت مردم باید نهادهایی را ایجاد می‌نمود که به مثابه بازوان



اجرائی انقلاب، اهداف آن را در جامعه محقق سازند. این نهادها با اهداف گوناگون عمدتاً در سال ۵۷ به محض پیروزی انقلاب اسلامی با حکم حضرت امام خمینی و با دستور مستقیم ایشان ایجاد گردیده اند. ایجاد این نهادها بنابر نوع اهداف انقلاب اسلامی به بلند مدت و میان مدت تقسیم بندی میشوند دسته اول از مراکز حساس و تصمیم ساز انقلاب از قبیل مجلس خبرگان رهبری و مجلس خبرگان قانون اساسی هستند و دسته دوم کارکرد موقت داشته اند؛ مانند کمیته های انقلاب و جهاد سازندگی و دسته سوم نیز جهت تحقق اهداف بلند مدت انقلاب طراحی شده بودند. مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی جوانان و نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها این نهادها در تثبیت و ترمیم نابسامانی های جامعه و نیز جلوگیری از اغتشاش ها و ناآرامی ها و البته سازندگی کشور نقش ویژه ای داشته اند چه بسا در نبود این نهادها نظام مقدس جمهوری اسلامی به این مرحله از بلندگی نمیرسید (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷: ۱۳) نکته قابل توجه آن که تعداد قابل ملاحظه ای از ۹۷ نهاد به ثبت رسیده توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی در ماه های اولیه پیروزی انقلاب شروع به فعالیت نموده اند.

درواقع انقلاب آرمانها و اهدافی دارد که دلیل اصلی اقبال مردم به آن است و مردم به واسطه آن به انقلاب متمایل می گردند در انقلاب مصر نیز مردم دارای اهداف و آرمانهایی بوده اند. در جریان اعتراضات مردمی در مصر معترضان با قرائت بیانیه ای از دولت خواستند تمامی توافق نامه ها و معاهده های امضا شده با رژیم صهیونیستی از جمله معاهده کمپ دیوید و توافق نامه صدور گاز به این رژیم را لغو کند. در این بیانیه همچنین معترضان بر سایر خواسته های خود از جمله تشکیل حکومت واقعی، آزادی تمامی غیرنظامیان، مصادره اموال سرمایه داران و شخصیت های فاسد کشور، تعیین سقف برای دستمزدها و وضع قوانین انقلابی جهت پاسخگویی به خواسته های ملت تأکید کردند ( <http://tebyan.net/newindex>) اما محمد مرسی پس از تعیین وی به عنوان رئیس جمهور برنامه های اقتصادی را در اولویت قرار داد. «برای پایه ریزی و طراحی برنامه محمد مرسی که به "طرح تمدنی - انقلابی" معروف است، بیش از یک هزار کارشناس و متخصص در تمام زمینه ها و حوزه ها به خدمت گرفته شدند و ۱۶ گروه مشورتی و رایزنی متخصص پس از بازدید از ۵۰ کشور جهان تشکیل شد تا با توجه به ویژگی های حاکم بر مصر طرحی متناسب با این کشور ارائه دهند این طرح بر "دولت"، "جامعه مدنی" و "بخش خصوصی" استوار است و بر کاستن از نظارت و کنترل دولت بر بخش خصوصی تأکید

دارد. نتیجه آن که شعارها و اهداف انقلاب کوچک‌ترین تاثیری در اندیشه و تصمیم محمد مرسی ایفا نمود و یکی از عوامل شاخص شکست وی نیز همین امر بوده است. در حالی که مرسی باید تصمیمات اصلی را بر اساس آرمان‌های انقلاب تنظیم می‌نمود. به عنوان مثال وی می‌توانست در کنار اولویت‌های اقتصادی یک ستاد بازبینی رابطه با اسرائیل و نهادی حقیقت‌یاب در مورد مفاسد اقتصادی دولت قبل ایجاد نماید. مهم‌تر از همه آن که باید نهادهایی مردمی برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب با مشارکت تمام انقلابیون ترتیب می‌داد. مرسی به نیروهای انقلابی تکیه نکرد و پس از توفیق اولیه در انتخابات به گونه‌ای به مردم القا نمود که عرصه سیاست را به اهلس واکگذار نموده و به منازلشان بازگردند.

#### ۵-۵. مهار طرح میلیتاریزاسیون سیاسی در بحبوحه انقلاب

ارتش در تمام کشورها باید به عنوان مدافع صاحبان قدرت فعال باشد؛ اما در برخی موارد نظامیان در عمل اقتدار رهبران کشور را به چالش می‌کشند. اگر نظامیان قدرت‌مندتر از نهادهای غیرنظامی باشند و یا اگر مورد حمایت دولت‌های خارجی قرار گیرند، توانایی مداخله نا به جا در سیاست را به دست خواهند آورد. در برخی از کشورهای خاورمیانه وفاداری ارتش به رژیم است تا به ملت و یا به نظام دموکراتیک. در اغلب موارد ارتش عادی تمایل ندارد که در درگیری‌های داخلی دخالت کند و عمل کرد اصلی خود را دفاع در برابر دشمنان خارجی می‌داند. از این رو نظامیان عمل کرد نظارت داخلی خود را به نیروهای شبه نظامی و یا امنیتی مختلفی که برای مبارزه با تهدیدهای داخلی ایجاد شده‌اند واگذار کرده‌اند. (Rubin, 2002) در بسیاری از دول در حال توسعه عمدتاً مداخله نظامیان در سیاست به نفع نخبگان کشورهای صنعتی پیشرفته بوده و از سوی آن‌ها از راه‌های مختلف مانند اعطای کمک‌های نظامی، فروش تسلیحات و سایر حمایت‌های مادی و معنوی مورد تشویق قرار گرفته است. (لطفیان، ۱۳۸۸) از جمله این کشورها طی دهه‌های اخیر ایالات متحده را می‌توان نام برد. از نظر استراتژیست‌های آمریکایی یکی از روش‌های اداره کشورها سیاسی نمودن ارتش و نیروهای نظامی و به اصطلاح میلیتاریزه کردن ارکان آن دولت‌هاست. در کشورهایی مانند پاکستان، ترکیه، مصر، الجزایر سیستم حکومتی " بعد از جنگ جهانی دوم " به گونه‌ای طراحی شده است که قدرت مدیریتی ارتش در حوزه‌های گوناگون از قبیل: گنجاندن بندهای مورد نظر در قانون اساسی، تهدید و اقناع نمایندگان

است. به طور کلی نیروهای نظامی و سران ارتش با پرداخت حداقل هزینه، در امور داخلی و خارجی دول مذکور حداکثر منفعت را کسب می‌نمایند. صحت این امر را می‌توان در نظامی بودن سوابق روسای جمهور این کشورها جستجو نمود که در ظاهر با روندی دموکراتیک بر سر کار آمده‌اند: بوتفلیقه در الجزایر، مبارک و سادات در مصر مصطفی پاشا و اکثریت روسای جمهور در ترکیه، ضیاء الحق، مشرف در پاکستان. همان‌طور که اشاره گردید مصر از جمله کشورهایی است که نظامیان در امور سیاسی نقشی محوری ایفا می‌نمایند طی تحولات اخیر از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ در ساختار سیاسی این کشور حضور ارتش در چند حوزه مشهود بوده است:

**الف) کارشکنی در تدوین قانون اساسی:** در سال ۲۰۱۱ شورای نظامی که تحت شرایط و فضای انقلابی با وجود این که از قبل به نتایج انتخابات پارلمانی آگاهی داشت، اقدام به برگزاری انتخابات پارلمانی کرد. کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان توسط نیروهای اسلام‌گرا زمینه تشکیل هیات ۱۰۰ نفره برای تدوین قانون اساسی فراهم شد. در جمعیت اولیه که تشکیل شد ۷۳٪ آن از نیروهای اسلام‌گرا بودند. ارتش با توسل به دادگاه قانون اساسی در یک بازی حقوقی توانست آن را منحل کند. این اولین مخالفت جدی ارتش بعد از انقلاب با نیروهای اسلامی بود. ارتش خواهان تشکیل جمعیت دوم شد. جمعیت دوم در سال ۲۰۱۲ با ترکیب ۶۰٪ خارج از پارلمان؛ از میان سندیکاها و ۴۰٪ از پارلمان تشکیل شد. در این دوره نیز با توجه به نفوذ اخوانی‌ها و سلفی‌ها در سندیکاها، جریان‌های مذکور توانستند ۶۷٪ را به خود اختصاص دهند و طرح‌های ارتش برای بار دوم نیز با ناکامی مواجه شد.

**ب) انحلال پارلمان:** ارتش پس از ناکامی‌های دو مرحله ذکر شده، جنگ با اسلام‌گراها را به سطح ریاست جمهوری کشاند. نظامیان با علم به این که در صورت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اسلام‌گراها پیروز میدان انتخابات خواهند بود و رییس جمهور اسلام‌گرا در کنار پارلمان با اکثریت اسلامی برای جایگاه و نفوذ ارتش مشکل ساز خواهد شد، در یک اقدام حقوقی صلاحیت یک سوم از نمایندگان انتخابی در پارلمان را از طریق دادگاه قانون اساسی زیر سوال بردند و مجلس را بعد از چهار ماه منحل کردند.

**ج) رد صلاحیت کاندیدای اصلی اسلام‌گراها:** دادگاه قانون اساسی در یک اقدام هماهنگ با ارتش صلاحیت خیرات شاطر، نامزد اصلی جریان اخوان المسلمین را رد کرد و این جریان در مشورت درون گروهی به مرسی رسید و ایشان را به عنوان نامزد انتخاباتی

معرفی کرد. ارتش با علم به پایگاه ضعیف مرسی، احمد شفیق، فرمانده سابق نیروی هوایی و نخست وزیر دوران مبارک را به عنوان نامزد خود در انتخابات معرفی کرد. از آن جا که به پیروزی "شفیق" بر مرسی امید بسته بود، بعد از شکست وی در یک رقابت بسیار نزدیک با مرسی، بار دیگر خود را بازنده بازی سیاسی با اخوان یافت و برای پیش بردن طرح های سیاسی خود دچار ناکامی شد.

**د) تدوین و تصویب قوانین فوق دستور:** شورای نظامی قانونی را تحت عنوان قانون فوق دستور (فوق قانون) اعلام کرد و مدعی شد این قانون توسط الازهر نوشته شده است و قانون نویسندگان قانون اساسی جدید حق تخطی از آن را ندارد. این قانون طوری تنظیم شده بود که هرگونه اقدام برای خدشه وارد کردن به ارتش را مسدود کرده بود. با این اقدام در تحولات آینده حتی اگر حداقل مطالبات آنها نیز بر آورده می شد، می توانستند نقش تاثیرگذاری خود را حفظ نمایند. این اقدام ارتش با واکنش شدید نیروهای اسلام گرا و انقلابی روبرو شد. ارتش تحت فشار اعتراضات خیابانی و واکنش های تند جریان های اسلامی و مردم یک ماه مانده به انتخابات مجلس به نوعی عقب نشینی تاکتیکی دست زد.

اکنون بعد از حدود سه سال از تحولات مصر اگر سیاست خارجی آمریکا در حمایت از ارتش این کشور و به طور مشخص ژنرال السیسی را در کنار سایر تحولات این کشور قرار دهیم، این نکته نمایان می شود که سیاستمداران این کشور از ابتدای اعتراضات عمومی، در فکر حضور فردی با مشخصات السیسی در راس دولت مصر بوده اند. و در مقیاس وسیع تر اگر حوادث جاری از آغاز خیزش مردمی مصر در عزل مبارک و برسرکار آوردن مرسی آن هم بدون مخالفت ارتش را در کنار هم بگذاریم این نتیجه به دست می آید که: تمام گروه های اجتماعی اعم از صاحبان رسانه و مردم و احزاب و گروه های مبارز مصری در مسیری حرکت نموده اند که از مدت ها قبل توسط اتاق فکر ایالات متحده ریل گذاری شده بود. آمریکا در گام اول پشتوانه سیاسی مردمی و حمایت سایر احزاب را از اخوانی ها سلب نمود و سپس با سیاست قدیمی خود یعنی کودتا و بر سر کار آمدن رهبر کودتا از طریق انتخابات فرمایشی، فرد مورد نظر و توانا برای اجرای سیاست های خود در مصر و شمال آفریقا را برسر کار آورد. به اعتقاد نگارندگان، این شق تاریخی تحولات مصر شبیه انقلاب مشروطه ایران است. انقلابی که خود فرزندان خود را کشت و خورد.

ارتش ایران در دوره محمدرضا پهلوی شباهت ها و تفاوت های قابل تاملی با نمونه مصری آن داشت. شاه بر اساس سیاست های نظامی خود به افسران و نظامیان رده بالای ارتش،

توجه بسیار زیادی می‌کرد و حتی برای خشنود نگه داشتن آن‌ها انواع امتیازات ویژه و امکانات مادی و اجتماعی برای آن‌ها در نظر می‌گرفت تا این طبقه به صورت طبقه‌ای ممتاز و جداگانه کاملاً به شاه متکی باشند. (عزیزی، ۱۳۸۶:۳۲) به گفته ارتشبد فریدون جم خود شاه راساً در جزئی‌ترین تصمیمات ارتش دخالت می‌کرد: هر چه مسائل مهم و بزرگ بود آخرش موکول می‌شد به اینکه بیاید برود به ستاد بزرگ ارتشتاران و به شرف عرض برسد و اعلی حضرت تصویب بکنند (تحریر تاریخ شفاهی انقلاب، ۱۳۷۳، ص ۲۴۵). باری روبین در کتاب paved with good intention در این زمینه چنین می‌نویسد: شاه برای حفظ قدرت خود و جلوگیری از هر گونه حرکت نظامی که خارج از کنترل او باشد، اختلافات و رقابت‌هایی بین ژنرال‌های خود به وجود آورده بود که هماهنگی و وحدت عمل بین آن‌ها را دشوار می‌ساخت. این اختلاف و عدم اعتماد بین فرماندهان نظامی در جریان انقلاب و پس از خروج شاه از ایران از هماهنگی و اشتراک مساعی آن‌ها برای رویارویی با انقلاب جلوگیری کرد و بالاخره به از هم پاشیدگی نیروهای مسلح انجامید (به نقل از طلوعی، ۱۳۷۶، ص ۵۸۲). در ایران نظامیان با وجود آن‌که تحصیل کرده غرب بودند و تجهیزات نظامی‌شان نیز از آن سوی مرزها تامین می‌شد؛ اما در نهایت وابستگی تامی به شخص پادشاه داشتند و شاه به عنوان فرمانده کل قوا حکم سری بزرگ و متفکر برای ارتش خود بود. شاید بهتر بود سلطنت پهلوی به جای تربیت نظامیانی برای جنگ سخت به تربیت استراتژیست‌های نظامی برای مواقعی می‌پرداخت که ابزار آلات نظامی به کار نمی‌آید.

اما در شرف پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) هنگام بازگشت به کشور در فرودگاه پاریس در پاسخ به خبر نگاران راجع به ارتش فرمودند: ما از ارتش می‌خواهیم که هر چه زود تر به ما متصل شود، و از قید اجانب خارج شود، آزاد شود. آن‌ها فرزندان ما هستند. ما به آن‌ها محبت داریم. ارتش باید از دولت غصب کنار برود تا مردم تکلیفشان را با او معلوم کنند. (نجاتی، ۱۳۷۷: ۲۹۹) پس از پیروزی انقلاب اسلامی فرمودند: افتخار و آفرین بر ارتشی که در اوج تصمیم جاودانه خود، حصار تعبّد طاغوت را شکست. (امام خمینی، ۱۱۷) ضمن آن که در ماه‌های پس از انقلاب احتمال بروز کودتای نظامی علیه رهبران جمهوری اسلامی ایران بسیار زیاد بود در شب هنگام ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۰ چند صد نفر از نظامیان بازنشسته و شاغل ایرانی با همدستی گروهی از غیر نظامیان برای اجرای نقشه کودتایی علیه رژیم به پایگاه نوژه نیروی هوای در نزدیکی همدان عزیمت کردند. با کشف

به موقع نقشه کودتا رهبران سیاسی ایران توانستند از بروز آن جلوگیری کرده، و افراد متهم به مشارکت در آن را دستگیر کرده و محاکمه کنند. (برای شرح نقش نظامیان در طراحی کودتا رجوع شود به، ۲۰۰۲، gasiorowski) امام خمینی جهت مقابله با خطر کودتای ارتش و تکرار تجربه سایر انقلابات و نهضت های مردمی منطقه در گام اول به تصفیه این سازمان پرداخت و در گامی دیگر به تاسیس نهادی مردمی با کارکردی مشابه به نام بسیج مستضعفین نمود. البته مشابه این سیستم را میتوان در ساختار ارتش کشور سوئیس مشاهده نمود.<sup>۳</sup>

## ۶. نتیجه گیری

امروزه سخن از بیداری اسلامی سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و تاویل پذیر نیست. سخن از یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که قیام های بزرگی را پدید آورده است. و معادلات و نظریه های سیاسی را به چالش کشیده است البته با وجود آن که این وضعیت مهره های کلیدی برخی از کشورهای مستبد را به مهره های سوخته تبدیل نموده و از متن به حاشیه رانده است، نمی توان با قطعیت بر آن ها نام انقلاب را برگزید زیرا هیچ یک از خیزش های مردمی چند سال اخیر در منطقه نتوانسته اند تغییرات بنیادینی در ساختار حاکمیت ایجاد نمایند و یا در حوزه روابط بین الملل موازنه قدرت را تغییر دهند. تغییرات بنیادین انقلاب با کیفیت مدیریت و رهبری آن تبیین و تفسیر می گردد و از آن جایی که توفیق و یا عدم توفیق یک انقلاب به طور مستقیم با عمل کرد رهبر و یا رهبران آن مورد قضاوت قرار می گیرد؛ در این مقاله سعی شد تا با تکیه بر اصول رهبری امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران به تحلیل و بررسی قیام مردم مصر پرداخته شود.

از جمله خصوصیات اجتناب ناپذیر انقلابات تعیین و تبیین اصول آگاه سازی مردم و زمان بندی و مرحله بندی و ترسیم مسیر حرکت مردم و انقلابیون در مسیر مبارزه است تعیین آن که چه زمانی مبارزه حالت مسالمت آمیز داشته باشد و تعیین زمان تسلیح مبارزین و تقابل نظامی با سیستم حاکم از جمله مواردی است که باید توسط رهبری نهضت تعیین گردد. قیام مردم مصر به دلیل فقدان رهبری واحد، منابع و سرچشمه های متعددی داشت که هر یک به طور مستقل توسط نهادهای ذی ربط اداره می شد که البته هر یک منافع خود را در جریان نهضت پیگیری می نمود. از جمله موارد دیگر اشراف رهبر یا رهبران انقلابی به نوع تفکر و ظرفیت های اطلاعاتی و امنیتی سیستم حاکم به جهت

جلوگیری از واکنش های محتمل در جریان نهضت است. امام خمینی مسیر مبارزه را به گونه ای طراحی نمود که زمان و کیفیت وقوع آن برای کارشناسان سرویس های اطلاعاتی قابل پیش بینی نبود. در غیر این صورت انقلاب ایران نیز همچون تمام حوادثی که در جریان خیزش های منطقه شاهد آن بوده ایم، پیش بینی و مصادره میشد. سومین گام اساسی حفظ و حراست از دستاورد های انقلاب است در آغازین روزهای انقلاب ایران از جمله اقدامات اساسی امام راحل دستور ایشان مبنی بر ایجاد نهاد های مردمی در راستای تحقق اهداف انقلاب بوده است. برای انقلاب مصر اهداف و آرمان های متعدد اما مشخصی وجود داشت از جمله تحقق جامعه مدنی و حقوق شهروندی و مبارزه با فساد و بی عدالتی که البته محمد مرسی رئیس جمهور برآمده از آرای مردم نخواست و یا نتوانست بر مبنای اهداف انقلاب سازمان ها و ارگان های مربوط را ایجاد نماید. از دیگر ملزومات انقلاب بهره مندی رهبری از نیروی عظیم معنوی است که متعاقبا باعث میگردد در تصمیمات و اراده وی در برابر تهدید و ارعاب و یا اغوای سیستم حاکم، بر اصل سازش ناپذیری اتکا نماید. مبارزین انقلابی رهبری را میپذیرند که به نیرویی فراتر از نیروی بشری اتکا داشته باشد تعریفی که در چهار چوب نظام های امانیستی به دشواری فهم میگردد در مورد مصر محمد مرسی، وی با آرای شکننده بر سر کار آمده بود و تمام مشروعیت وی در چهار چوب دموکراسی تعریف میشد. دموکراسی و انتخابات در مصر قبل از افزایش آگاهی های سیاسی عموم جامعه و در زمانی انتخابات برگزار شد و مردم دست نامرئی ارتش را در تمام ارکان جامعه دموکرات از جمله نگارش و تغییر متن قانون اساسی ملاحظه می نمودند. ارتش مصر با وجود محبوبیت نسبی در میان مردم به سبب تاریخیچه مبارزاتی در برابر اسرائیل، به دلیل وابستگی تئوری و عملی تام آن به ایالات متحده نمی-توانست مجری اهداف انقلاب باشد.

به طور کلی باید اظهار داشت در میان تمام انقلابات منطقه طی چند دهه اخیر انقلاب اسلامی ایران به جهت بهره مندی از رهبری آگاه و زمان شناس و مدیر توانسته اکثر مولفه های مهم انقلاب را در همان سال های آغازین نهادینه سازد و طی سالیان بعد به استمرار و بالندگی و پیشرفت نیل نماید. گمان میرود انقلابات آینده و به ویژه مصر در صورت تمایل به ایجاد انقلاب و دگرگونی نمی توانند تجربیات انقلاب ایران را نادیده بگیرند. تجربیاتی که بنیان آن در سیره سیاسی رهبری و تعامل سازنده و هوشمندانه با مردم و تدبیر به موقع در برابر حوادثی و موانعی است که در برابر تمام تحولات بزرگ تاریخی وجود داشته است.

## پی‌نوشت

۱. راشد الغنوشی رهبر اسلامگرایان تونس "النهضة" و از مخالفان نظام سیاسی تونس است. وی به دلیل مبارزات و فعالیت‌های سیاسی خود علیه حبیب بورقیبه و زین العابدین بن علی چندین بار دستگیر شد.
۲. "وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ" (قصص / ۵)
۳. کشور سوئیس یکی از کشورهایی است که از ساختار منابع انسانی در کادر شبه نظامی ارتش و پلیس استفاده می‌کند. در این روش "نیروی پلیس + نیروی شهروندان شبه نظامی + منابع تنسائی پشتیبان + کلاس های آموزشی = وجود ارتش همیشگی در صورت نیاز" استفاده می‌شود.

## منابع

- احمدی، حسین، (۱۳۹۱) تاکتیک‌های مبارزاتی امام خمینی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی اشرفی، اکبر (۱۳۸۷). مبانی رهبری سیاسی امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی (خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا، ۱۹ تاریخ دسترسی: خرداد ۱۳۹۲) <http://www.isna.ir>
- برزگر، ابراهیم، (۱۳۹۱). نظریه های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام صادق (ع). امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۵ (مورخ ۱۶ دی ۶۱).
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. طلوعی، محمود (۱۳۷۶). **داستان انقلاب**. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- عزیزی، حشمت‌الله (۱۳۸۶)، تاریخ شفاهی ارتش در انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی. لطفیان، سعیده (۱۳۸۸) مداخله نظامیان در سیاست خاورمیانه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، صفحات ۲۲۵-۲۵۰
- محمدی، منوچهر، (۱۳۸۰)، انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها، قم، نشر معارف اسلامی
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷)، شخصیت سال خدمت و مقاومت "خاطرات مهندس مهدی بازرگان" جلد دوم. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا
- نکونام، محمدرضا، (۱۳۸۶) چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی، انتشارات: ظهور شفق، چاپ اول، نوری، امیر (۱۳۹۱) مصر بیداری اسلامی و الگوی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، بهار، شماره ۲۸
- هراتی، محمد جواد، تفاوت نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی مصر، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۹۲، شماره ۲۸



باشگاه خبرنگاران جوان , تاریخ دسترسی ۱۳۹۲/۵/۲ (www.yjc.ir)  
خبرگزاری دفاع مقدس, تاریخ دسترسی, ۱۳۹۲/۴/۳۱ <http://www.defapress.com/Fa/News/1305>  
پایگاه خبری - تحلیلی سیر نیوز, گفت و گو با دکتر اکبر اشرفی, تاریخ دسترسی ۱۳۹۱/۲/۲۸,  
<http://seirnews.com/fa/news>  
بخش سیاست وب سایت تبیان, نویسنده: هاتف پور رشیدی, <http://tebyan.net/newindex>

Gasiorowski, Mark J . “The Nuzhah Plot and Iranian Politics, “International Journal of Middle East Studies. Vol.34.2002.pp.645-666.

Lenczowski, Gorge (1992), American President In The Middle East, California, Duck University, Berkly, 1992

London: Cass, 2002 ,pp. 1-22

Moens, Alexandar(1991) President Carters Adviser and The Fall of Shah , in political Scier Quarterly, vol 106

Rubin, Barry.”The Military in Contemporary Middle East Politics ,” in Barry Rubin and Thomas A . Keaney, eds. Armed Forces in the Middle East: Politics and Strategy.

<http://www.stratfor.com/analysis/egypts-atypical-military-coup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی